

سیمای جمهوری اسلامی ایران آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد» نیز که در صدر این اصل ذکر شده است می‌تواند به وسیله قانون عادی تشریح و تعیین گردد؟»

نظریه تفسیری:

«مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران صدا و سیما زیر نظر مستقیم مقام معظم رهبری می‌باشد. بنابراین سیاستگذاری، هدایت و تدابیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شؤون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد.»

ایرادی که بر این نظریه وارد است، صرف نظر از این‌که فراتر از سؤال می‌باشد، نادیده گرفتن ذیل اصل ۱۷۵ قانون اساسی است که صراحتاً اعلام می‌کند «خط مشی و ترتیب اداره سازمان و نظارت بر آن را قانون معین می‌کند» و اساساً در اصل ۱۷۵ به هیچ نحو بیان نشده است که «صدا و سیما زیر نظر مستقیم رهبری می‌باشد» و نظر تفسیری ارائه شده مخالف صریح قانون اساسی است. با این وجود این نظر مبنای رد طرح اختصاص درصدی از درآمد حاصل از پخش مسابقات ورزشی توسط صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران شده است. (نامه ۸۰/۲۱/۲۷۷۷ مورخ ۸۰/۹/۲۰ شورای نگهبان).

ب - نظر تفسیری مورخ ۱۳۸۰/۱۰/۱۸ شورای نگهبان در مورد اصل ۸۶ قانون اساسی در پاسخ به پرسش رییس قوه قضاییه مبنی بر این‌که «... موجب امتنان خواهد بود تا با طرح و بررسی اصل هشتم و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آن شورای محترم، نظریه تفسیری شورا نسبت به مصونیت پارلمانی نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و حدود آن به این قوه، اعلام فرمایید تا در اختیار مراجع قضایی قرار گیرد.»

نظریه تفسیری:

«با عنایت به:

۱- مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در

خصوصاً اصل هشتاد و ششم حاکی از این‌که مصونیت ریشه اسلامی ندارد...:

۲- اصول متعدد قانون اساسی از جمله اصول نوزدهم و بیستم دایر بر برخورداری همه ملت ایران از حقوق مساوی:

۳- اختصاص موضوع اصل هشتاد و ششم مربوط به اظهارنظر و رأی نمایندگان در مجلس در مقام ایفای وظایف نمایندگی و عدم ملازمه آن با ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه:

۴- عدم توصیه شرعی منع تعقیب یا توقیف مجرم:

۵- نظر مبارک حضرت امام خمینی (ره) به عنوان ناظر و راهنمای تدوین قانون اساسی دایر بر ضرورت پرهیز از هتک حرمت اشخاص و لزوم جبران آن در مجلس و رسیدگی توسط قوه قضاییه:

اصل هشتاد و ششم قانون اساسی در مقام بیان آزادی نماینده در رابطه با رأی دادن و اظهارنظر در جهت ایفای وظایف نمایندگی در مجلس است و ارتکاب اعمال و عناوین مجرمانه از شمول این اصل خارج می‌باشد و این آزادی نافی مسؤولیت مرتکب جرم نمی‌باشد.»

ایرادی که بر این تفسیر وارد است آن است که گرچه اصول مختلف می‌توانند موجب توسعه و تضییق اصلی دیگر شوند اما هیچ‌گاه نمی‌توانند موجب حذف کامل اصلی دیگر گردند. ممنوعیت تعقیب و توقیف نمایندگان به صراحت در اصل ۸۶ آمده است و تنها در مقام اتهام به ارتکاب جرم، تعقیب و توقیف افراد امکان‌پذیر است (اصل ۳۲ قانون اساسی) و معلوم نیست با تفسیر ارایه شده از این اصل وجود و عدم آن تفاوتی خواهد داشت یا خیر. آنچه به عنوان تفسیر ارایه شده است، اجتهاد در مقابل نص است که در هیچ شیوه تفسیری توجیه‌پذیر نیست.

۲- تشخیص عدم مغایرت مصوبات مجلس شورای اسلامی با احکام اسلام و عدم تعارض آن‌ها با قانون اساسی

شورای نگهبان عهده‌دار یکی از اصول کلی مندرج در قانون اساسی است و آن تضمین عدم نقض قانون اساسی و شرع به واسطه مصوبات مجلس شورای اسلامی است. شورای نگهبان می‌باید با رویه‌ای ثابت این وظیفه را انجام دهد و رد مصوبات را

مستدلاً با استناد به اصول قانون اساسی و شرع انجام دهد. لیکن اخیراً شورای نگهبان مصوباتی را رد نموده است که سابقاً ایرادی بر آنها نگرفته است و در مواردی از وظیفه خود تخلفی نموده و وظیفه رهبری را در نظارت بر سیاست‌های کلی نظام اعمال کرده است.

الف - نظریه ۸۰/۲۱۲۴۱۵ مورخ ۸۰/۷/۲۶ در مورد موافقت‌نامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سوریه مبنی بر این‌که «اطلاق بند ۲ ماده ۱۴ که رسیدگی و اعمال صلاحیت کیفری نسبت به جرمی که داخل کشتی واقع شده را ممنوع کرده است خلاف موازین شرع شناخته شد»، در حالی که در موافقت‌نامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت پادشاهی اردن هاشمی (بند ۲ ماده ۷) و همچنین در موافقت‌نامه کشتیرانی تجاری - دریایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت رومانی (بند ۲ ماده ۱۱) مقرره مشابهی وجود دارد که به تأیید شورای نگهبان رسیده است.

ب - نظریه ۸۰/۲۱/۱۵۲۳ مورخ ۸۰/۳/۱۷ در مورد موافقت‌نامه همکاری قضایی بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عربی سوریه مبنی بر این‌که قضات دادگستری و محاکم سوریه باید مسایل اتباع ایران را مورد رسیدگی قرار دهند و قضات آنجا واجد شرایط و منصوب براساس موازین شرع و احکام اسلام نمی‌باشند، برخی مواد موافقت‌نامه خلاف شرع می‌باشد. در حالی که شورای نگهبان چنین ایرادی را نسبت به موافقت‌نامه معاضدت قضایی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری آذربایجان که حاوی مقرراتی مشابه است، نگرفته است.

ج - نظریه ۸۰/۲۱/۲۰۳۰ مورخ ۸۰/۱۰/۱۸ در مورد طرح تشکیل هیأت منصفه مبنی بر این‌که در این طرح نسبت به رسیدگی جرایم روحانیان در دادگاه ویژه روحانیت تعیین تکلیف نشده و ریاست و عضویت استاندار و مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی در شورای مربوط به تعیین اعضای هیأت منصفه مغایر اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی (که بر قوای سه‌گانه و استقلال آنها و نظارت ولایت مطلقه امر و امامت امت بر آنها، تصریح دارد) می‌باشد. همچنین چون شرط اعتقاد و التزام عملی به اسلام و ولایت مطلقه

فقیه جزو شرایط اعضای هیأت منصفه نیامده است. خلاف شرع و مغایر ذیل اصل ۱۶۸ قانون اساسی (موازین اسلامی) می باشد.

ایرادی که بر این نظریه وارد است. صرف نظر از این که استناد به اصل ۵۷ و ۱۶۸ قانون اساسی وافق به مقصود نیست. این است که مواد مشابهی در قانون مطبوعات (اصلاحی ۷۹/۱/۳۰) وجود دارد که اصلاً مورد ایراد شورای نگهبان قرار نگرفته و تأیید شده است (مواد ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ قانون مطبوعات).

د- نظریه ۸۰/۲۱/۳۰۲۸ مورخ ۸۰/۱۰/۱۸ در مورد طرح اولویت استخدام افراد بومی مبنی بر اینکه «با توجه به بند ۲۶ فصل سوم سیاست‌های کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی چون در این طرح اولویت استخدام ایثارگران اعم از رزمندگان، خانواده معظم شهدا، آزادگان، جانبازان لحاظ نشده است. لذا مغایر بند یک اصل یکصد و دهم قانون اساسی شناخته شد...»

همچنین نظریه ۸۰/۲۱/۲۷۱۵ مورخ ۸۰/۹/۹ در مورد لغو ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه مبنی بر این که «با توجه به بند ۶ فصل ۱ اقتصادی، سیاست‌ها و رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه لغو ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه مغایر اصل سیاست‌های کلی مذکور در اصل ۱۱۰ قانون اساسی شناخته شد.»

ایرادی که در مورد این دو نظریه به ذهن می رسد. صرف نظر از این که می توان برای عدم تعارض مصوبات مذکور با سیاست‌های کلی برنامه سوم استدلال نمود. این است که بند یک اصل یکصد و دهم قانون اساسی تعیین سیاست‌های کلی نظام را جزو وظایف و اختیارات رهبری برمی شمرد و مصوبات مذکور در صدد تعیین سیاست‌های کلی نظام نیست. به علاوه بند دوم همان اصل نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام را نیز جزو وظایف و اختیارات رهبری می داند و این نظرات شورای نگهبان مصداق بارز این نظارت می باشد که شورای نگهبان وظیفه‌ای نسبت به آن ندارد.

ه- نظریه ۸۰/۲۱/۲۸۷۸ مورخ ۸۰/۱۰/۲ در مورد طرح سرباز روحانی در مناطق اهل سنت ویژه روحانیون اهل سنت مبنی بر این که «ارزشیابی علمی تحصیلات طلاب حوزه‌های علمیه توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در تبصره ۱ ماده واحده با

توجه به این‌که این وظیفه قبلاً توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی به شورای عالی حوزه علمیه قم و خراسان واگذار شده است، لذا خلاف موازین شرع و مغایر با ولایت مطلقه فقیه مصرح در اصل ۵۷ قانون اساسی شناخته شد.

بیان این ایراد به مصوبه مجلس شورای اسلامی و استناد به مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی غیرقابل توجیه است، زیرا مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی مطابق نظر حضرت امام (ره) (که پاسخ به نامه ۱/۹۷۱۸ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۲۹ رییس وقت شورا بیان شده) باید مورد ترتیب اثر قرار گیرد و حداکثر در حد قانون عادی است (هیأت عمومی دیوان اداری نیز در دادنامه ۲۹۸-۲۹۹-۳۰۰ مورخ ۱۳۷۸/۸/۹ با همین استدلال یکی از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی را ابطال نموده است). به عبارت دیگر مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی شرع و قانون اساسی نمی‌باشند که مغایرت مصوبات مجلس با آنها موجب شود تا شورای نگهبان به رد آنها اقدام نماید. با توجه به مطالب فوق ریاست محترم جمهوری به عنوان پاسدار قانون اساسی و مسئول اجرای قانون اساسی، می‌توانند به شورای محترم نگهبان تذکر دهند، زیرا این شیوه جدید به خصوص در درازمدت می‌تواند به تضعیف نظام و سایر اصول قانون اساسی منجر شود.

سیدمحمدعلی ابطحی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۵

تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱۱

جناب آقای دکتر مهرپور

مشاور محترم رییس جمهور و رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

گزارش معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور در خصوص بررسی نقادانه نظرات شورای نگهبان (تصویر پیوست)، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور

این گزارش یک گزارش تحلیلی - انتقادی است که در جای خود مفید است ولی آن چه مهم است این است که آیا در موارد یاد شده یا موارد دیگر واقعاً تخلف از قانون اساسی وجود دارد؟ در اینصورت است که می توان تذکر داد و الاً اختلاف برداشت در تفسیر یا بحث درباره مستندات که درباره آن اختلاف نظر است گرچه به لحاظ حقوقی و منطقی درخور بحث و نقد است ولی مشمول تذکر یا اخطار قانون اساسی نمی شود، مگر این که واقعاً تخلفی باشد. خوب است در هیأت مورد بررسی قرار گیرد و نظر دقیق در این باب داده شود.»

سیدعلی خاتمی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۶۰۱

تاریخ ۱۳۸۰/۱۲/۸

حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به پی‌نوشت‌های حضرت‌عالی بر دو گزارش معاونت حقوقی و امور مجلس رییس‌جمهور در مورد نقد برخی از نظریات شورای نگهبان که طی شماره‌های ۵۷۲۶۰ مورخ ۸۰/۱۲/۱ و ۸۱-۳۵/م مورخ ۸۱/۱/۱۱ به هیأت ارجاع شده، موضوع در جلسات متعدد مورد بحث و بررسی قرار گرفت و آن‌جهتی که مورد نظر جناب‌عالی بود یعنی بررسی همه‌جانبه از این حیث که به طور مشخص و روشن، تخلفی از قانون اساسی صورت گرفته که مشمول تذکر یا اخطار قانون اساسی باشد مورد توجه هیأت قرار گرفت و بحث مستوفایی به عمل آمد و سرانجام نظر اعضای هیأت بدین شرح حضورتان اعلام می‌گردد:

ایرادات و نقدهای معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری بر نظریات تفسیری شورای نگهبان و یا نظریات مربوط به مصوبات مجلس به شرح نامه‌های تقدیمی عموماً مورد قبول اعضای هیأت بوده و این نوع اظهارنظرها را که یا فاقد استدلال بوده و یا واجد استدلال محکم و متین و منطقی و مبتنی بر موازین و مبانی مستحکم فقهی و حقوقی نبوده و احیاناً معارض با نظریه شورای نگهبان در موارد مشابه بوده است، را در شأن نهاد معتبر و مؤثری چون شورای نگهبان نمی‌دانند و مناسب می‌دانند این تحلیل‌ها و نقدها به خود شورای نگهبان و مراجع ذی‌ربط دیگر به خصوص مقام معظم رهبری منعکس شود و با یادآوری موقعیت خطیر شورای نگهبان و انتظاری که جامعه حقوقی و فقهی از آن دارد، نظریات خود را مستدل‌تر، منسجم‌تر و با مبانی حقوقی و فقهی شفاف‌تر و روشن‌تر ارائه دهند.

ولی هر یک از این نظریات ارائه شده می‌تواند توجیه حقوقی و فقهی داشته باشد و

حمل بر اختلاف در برداشت و تفسیر از مبانی حقوقی و فقهی شود و انگونه که مورد نظر جناب عالی در پی نوشت‌های فوق‌الذکر است نمی‌شود مشخصاً و به طور روشن گفت فلان نظر خلاف قانون اساسی است و بلحاظ تخلف از قانون اساسی تذکر یا اخطار داد. چون به هر حال مفسر رسمی قانون اساسی، شورای نگهبان و مشخص شرعی بودن یا نبودن مصوبات مجلس نیز فقهای شورای نگهبان هستند که طبعاً به اجتهاد خود استنباط و اظهار نظر می‌نمایند.

البته برخی از نظریات بررسی شده شبیه مغایرت با قانون اساسی در آن‌ها قوی است که بذل توجه بیشتری را می‌طلبد به عنوان نمونه دو مورد ذکر می‌شود:

۱- نظر تفسیری شورای نگهبان در مورد اصل ۱۷۵ قانون اساسی

شورای نگهبان در پاسخ تفسیری به سؤال مربوط به صلاحیت مجلس شورای اسلامی در تصویب قانون در رابطه با چگونگی تأمین آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی در صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران این‌گونه اظهار نظر نموده است: «مطابق اصل ۱۷۵ قانون اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران صدا و سیما زیر نظر مستقیم رهبری می‌باشد. بنابراین سیاست‌گذاری، هدایت و تدبیر لازم در همه ابعاد خصوصاً در راستای تحقق آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور در همه شئون و مراتب که در صدر اصل مذکور به آن اشاره شده است از اختیارات اختصاصی آن مقام می‌باشد» و در نتیجه مجلس حق قانون‌گذاری در این زمینه ندارد، این نظریه از جهات ذیل قابل تأمل است:

الف - برخلاف اعلام شورای نگهبان، در اصل ۱۷۵ قانون اساسی ذکر نشده است که صدا و سیما زیر نظر مستقیم رهبری است، بلکه اصل مزبور نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما را با مقام رهبری دانسته است اگر وظیفه و اختیار نصب و عزل رئیس سازمان صدا و سیما چنانکه شورای نگهبان استنباط نموده، به این معنی باشد که صدا و سیما مستقیماً زیر نظر رهبری است و در نتیجه کلیه سیاست‌گذاری‌ها و تدابیر و خط مشی و از جمله چگونگی تأمین آزادی بیان و نشر افکار حق انحصاری رهبری به این اعتبار است و مجلس حق قانون‌گذاری ندارد، باید همین معنا را در مورد قوه قضاییه

و اصول ۱۵۶ و ۱۵۷ قوه قضاییه نیز پذیرفت، طبق اصل ۱۵۶ وظیفه قوه قضاییه رسیدگی و صدور حکم، در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم و تعقیب و مجازات مجرمین و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین است و طبق بند ۶ اصل ۱۱۰ و اصل ۱۵۷ قانون اساسی نصب و عزل رییس قوه قضاییه با مقام رهبری است، با توجه به استدلال شورای نگهبان باید گفت قوه قضاییه زیر نظر مستقیم رهبری است و هرگونه سیاست‌گذاری و تدابیر لازم در زمینه انجام وظیفه آن قوه به شرح مذکور در اصل ۱۵۶ از اختیارات اختصاصی رهبری است و مجلس نمی‌تواند در این زمینه قانون‌گذاری کند.

گمان نمی‌رود هیچکس چنین نتیجه‌ای را که پیامد طبیعی و روشن نوع برداشت شورای نگهبان از اصل ۱۷۵ قانون اساسی است بپذیرد.

ب - طبق اصل ۷۱ قانون اساسی، «مجلس شورای اسلامی در عموم مسایل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند» و منع مجلس از تصویب قانون در نحوه اجرای اصل ۱۷۵ صرفاً بدین جهت که عزل و نصب رییس سازمان صدا و سیما در اختیار رهبری است مغایر این اصل می‌باشد.

۲- استناد به مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

مثال دیگر که شبهه قوی مغایرت با قانون اساسی دارد، خلاف شرع و قانون اساسی دانستن بعضی از مصوبات مجلس بلحاظ مغایر بودن آن‌ها با مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی است (چنانکه در مورد طرح قانونی سرباز روحانی در مناطق اهل سنت به شرح مندرج در گزارش آمده است) در حالی که در هیچ اصلی از اصول قانون اساسی صلاحیت قانون‌گذاری برای شورای عالی انقلاب فرهنگی پیش‌بینی نشده است و اگر هم فرضاً به گونه‌ای و با توجیهاتی بتوان مصوبات آن شورا را در حکم قانون دانست، قانون عادی محسوب می‌شود که مجلس می‌تواند برخلاف آن وضع قانون نماید. و این از عجایب است که شورای نگهبان برای مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی شأنی در حد قانون اساسی یا موازین شرعی قایل است که مجلس نمی‌تواند برخلاف آن قانونی

تصویب کند ولی دیوان عدالت اداری مصوبه آن شورا را در حد این نامه و تصویبنامه دولتی تنزل داده و رأی بر ابطال آن می‌دهد (دادنامه شماره - ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹ و ۳۰۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۶۰۱۶ مورخ ۷۸/۱۱/۲۸ طبق گزارش معاونت حقوقی ریاست جمهوری)

برخی موارد دیگر را نیز در این راستا می‌توان ذکر کرد که برای پرهیز از اطاله کلام تصدیق نمی‌دهیم و در هر حال نظر مشورتی هیأت بر این است که انعکاس نقدهای به عمل آمده بر برخی نظریات شورای نگهبان و جلب توجه آن شورا به اتخاذ شیوه‌های صحیح و مستدل و منسجم در اظهار نظر به ویژه از سوی مقام معظم رهبری، می‌تواند مطلوب و انشاءالله مفید و کارساز باشد.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۸۱-۳۰۰۳

تاریخ ۱۳۸۱/۴/۳۰

جناب آقای دکتر مهرپور

ریس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

پیرو نامه شماره ۵۷۲۶۰ مورخ ۸۰/۱۲/۱۵ در خصوص نظریه حقوقی پیرامون برخی نمونه‌های تخطی شورای نگهبان از قانون اساسی، گزارش شماره ۸۱-۳۶۰۱ مورخ ۸۱/۴/۱۷، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«نظر جناب آقای دکتر مهرپور محکم و متین است. رییس جمهور نباید کار سست که شایبه سیاسی کاری دارد بکند. اخطار و تذکر قانون اساسی باید اساسی، محکم و قابل دفاع باشد بمحض احتمال، اقدام کردن، خود را سبک کردن است. اگر جناب آقای دکتر مهرپور ملاحظاتی که می‌تواند دوستانه یا به هر صورت دیگر به خود شورای نگهبان و رهبری منعکس شود تا تدوین و به من ارایه کنند متشکر می‌شوم.»

سیدعلی خاتمی

از طرف سیدمجید روین تن

در مورد مصوبات دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی

نامه مورخ ۱۵/۶/۸۲ به رئیس جمهور

در خصوص مصوبات شورای عالی امنیت ملی

در پی برخی آشوب‌ها و ناآرامی‌هایی که در خرداد ۸۲ در بعضی از دانشگاه‌ها به وجود آمد و احتمال بروز حوادثی به مناسبت سالگرد ۱۸ تیرماه می‌رفت، مسؤول اجرایی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی مقرراتی به عنوان مصوبه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با این قید که به تأیید رئیس جمهور و رئیس شورای عالی امنیت ملی رسیده به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ کرد، وزیر وقت علوم طی نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور بر قانونی بودن این مصوبه که از سوی دبیرخانه تصویب و ابلاغ شده ایراد وارد نمود و خواستار پیگیری و رسیدگی حقوقی شد. آقای رئیس جمهور طی نامه‌ای خطاب به این جانب به عنوان رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی و آقایان ابطحی معاون حقوقی و پارلمانی رئیس جمهور و ربیعی مسؤول اجرایی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی خواستار بررسی موضوع و اعلام نظر شدند. این جانب نظر حقوقی خود را مشروحاً خدمت آقای رئیس جمهور فرستادم که چون یک نظر مشورتی حقوقی در زمینه چگونگی وظیفه و اختیار شورای عالی امنیت ملی و دبیرخانه آن در تصمیم‌گیری‌ها و تصویب مقررات می‌باشد نقل می‌شود، البته چند سطری که مربوط به ماهیت امر و مصوبات دبیرخانه می‌باشد ذکر نخواهد شد. بعداً مفاد این نامه در هیأت نیز مطرح شد و به شرح سوابق موجود مورد تأیید اعضای هیأت نیز قرار گرفت.

نامه مزبور بدین شرح است:

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۳۸۲

تاریخ ۱۳۸۲/۶/۱۵

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۱/۷۰۵-س مورخ ۸۲/۶/۲ در خصوص مصوبات دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی و ابلاغ آن به وسیله دستگاهها از طریق مسؤول اجرایی دبیرخانه، نامه وزیر محترم مستعفی علوم و چهار مصوبه دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی را که پیوست بود ملاحظه کردم. چون تشکیل جلسه با آقایان ابطحی و ربیعی تا این تاریخ میسر نشد، ملاحظات زیر را به طور مختصر خدمتتان معروض می‌دارم:

۱- علی‌القاعده تصمیمات متخذ در مصوبات چهارگانه فوق‌الذکر در ارتباط با بندهای سه‌گانه اصل ۱۷۶ قانون اساسی و به ویژه بند دوم آن که عبارت از هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی است صورت گرفته و به عنوان مصوبه لازم‌الاجرای شورای عالی امنیت ملی به وزارت علوم و قاعدتاً به برخی از دستگاه‌های دیگر ابلاغ شده است.

۲- چنانکه مستحضرید اصل ۱۷۶ اعضاء شورای عالی امنیت ملی را که عبارتند از: رؤسای قوای سه‌گانه، رئیس ستاد فرماندهی کل نیروهای مسلح، مسؤول امور برنامه و بودجه، دو نماینده به انتخاب مقام رهبری، وزیر امور خارجه، کشور، اطلاعات و حسب مورد وزیر مربوط و عالی‌ترین مقام ارتش و سپاه تعیین کرده است و ذیل اصل مزبور تصریح می‌کند که مصوبات شورای عالی امنیت ملی پس از تأیید مقام رهبری قابل اجرا است.

۳- عبارت ذیل اصل ۱۷۶ که فوقاً ذکر شد شامل دو امر است:

الف - حداقل ظهور دارد در این که تصمیماتی به عنوان مصوبه شورای عالی تلقی می‌شود که به تصویب اعضاء آن شورا که قاعدتاً با اکثریت اعضاء و یا هر ترتیبی که

خود شورا مقرر داشته است رسیده باشد.

ب - منصوص است در این که برای لازم‌الاجرا شدن مصوبات، تأیید مقام رهبری لازم است.

۴- در نامه‌های چهارگانه مسئول اجرایی شورای عالی امنیت ملی تصریح شده مصوبات از سوی دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی صادر شده و بر تأیید آن توسط رئیس‌جمهور تأکید شده و برای اجرا ابلاغ شده است.

از نحوه نگارش مطلب چنین برمی‌آید که تصمیمات متخذه از سوی اعضای شرکت کننده در جلسات دبیرخانه شورا بوده که الزاماً اعضای شورای عالی امنیت ملی مندرج در اصل ۱۷۶ نیستند و بنابراین مصوبه شورای عالی امنیت ملی محسوب نمی‌شود و از طرف دیگر به تأیید مقام رهبری نیز نرسیده ولی به تأیید ریاست محترم جمهوری رسیده است و ظاهراً تلقی دبیرخانه شورا این است که مصوبات آن، حکم مصوبه شورای عالی را دارد و تأیید رئیس‌جمهور که طبق اصل ۱۷۶ رئیس شورا است برای لازم‌الاجرا کردن مصوبه کافی است.

۵- اصل ۱۷۶ قانون اساسی دلالتی بر این امر ندارد که دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی که امور اداری و دفتری و کارشناسی را به عهده دارد حق گذراندن مصوبه‌ای داشته باشد. رئیس‌جمهور نیز طبق اصل ۱۷۶ یکی از اعضای شورا است که مانند دیگر اعضای یک رأی دارد و رئیس شورا نیز می‌باشد که تشکیل جلسات شورا و اداره جلسات با اوست ولی در اصل مزبور هیچ اشاره‌ای بر این که تأیید رئیس‌جمهور، مصوبه شورا را لازم‌الاجرا می‌کند نشده است.

۶- برای این که مصوبات دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی با تأیید رئیس‌جمهور لازم‌الاجرا شود باید یکی از دو امر ذیل وجود داشته باشد:

الف - مصوبات شورای عالی امنیت ملی به گونه‌ای تفسیر شود که شامل مصوبات دبیرخانه و جلسات منعقد شده در آن نیز بشود.

ب - تأیید رئیس‌جمهور نیز چون رئیس شورا است همان خاصیت تأیید مقام رهبری را داشته باشد.

تصدیق می‌کنید هر دو تفسیر فوق مخصوصاً بند ب از لحاظ حقوقی بسیار جای تأمل است و قبول آن دشوار می‌نماید.

۷- راه حل دیگری که برای توجیه این امر به نظر می‌رسد این است که شورای عالی امنیت ملی اختیار تصویب برخی از تصمیمات را به دبیرخانه واگذار کند و مقام رهبری نیز اختیار تأیید مصوبات را به رییس‌جمهور تفویض کند.

در این رابطه نیز ضمن این‌که بنده اطلاع ندارم. این امر واقع شده و این تفویض صورت گرفته است یا خیر، در اصل موضوع به نظر می‌رسد در مورد اختیارات و مسئولیت‌هایی که در قانون اساسی به عهده مقامی گذاشته شده، قابل تفویض به غیر نیست مگر این‌که جواز تفویض ذکر شده باشد، چنانکه در مورد قانون‌گذاری مجلس در اصل ۸۵ تصریح شده قابل واگذاری به غیر نیست مگر در مواردی به کمیسیون‌های داخلی مجلس و در یک مورد به هیأت دولت.

ذیل اصل ۱۱۰ قانون اساسی نیز تصریح شده که رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند. در اصل ۱۲۶ تصریح شده که رییس‌جمهور می‌تواند امور برنامه و بودجه و استخدامی را که بر عهده خود اوست به عهده دیگری بگذارد و در اصل ۱۳۸ مطرح شده که دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید، ذکر این موارد خاص می‌تواند قرینه بر این امر باشد که اصل بر عدم تفویض اختیارات و مسئولیت‌هاست مگر در جایی که تصریح شده باشد. بنابراین، شورای نگهبان نمی‌تواند وظیفه انطباق مصوبات مجلس با شرع و قانون اساسی و یا تفسیر قانون اساسی را مثلاً در مواردی به فرد یا گروهی واگذار نماید، مجمع تشخیص مصلحت نظام نمی‌تواند وظیفه تشخیص مصلحت را به کمیسیون‌های زیرمجموعه خود واگذار نماید و قس علیهذا البته همه این نهادها می‌توانند دبیرخانه، کمیسیون و نهادهای اداری و کارشناسی داشته باشند که موضوعات در آنجا بررسی شده و نظریاتی داده شود ولی تصویب نهایی با خود آن نهاد و مقام است.

اصل ۱۷۶ که شورای عالی امنیت ملی و وظایف آن را بیان کرده و ترکیب آن را

مشخص نموده تصریح نکرده است که می‌توان انجام این وظایف یا برخی از آنها را به دبیرخانه تفویض کرد و بنابراین، استنباط حقوقی این‌جانب از قرائن و لحن عبارات موجود در قانون اساسی این است که شورای عالی امنیت ملی نمی‌تواند تصویب برخی از تصمیمات را به دبیرخانه واگذار نماید و در هر حال نتیجه کار دبیرخانه برای این‌که صورت مصوبه به خود بگیرد باید به تصویب اعضاء شورای عالی امنیت ملی برسد. البته ممکن است نظر حقوقی معتبرتری مخالف این نظر از اساتید حقوق وجود داشته باشد و طبعاً برای تفسیر رسمی می‌توان نظر تفسیری شورای نگهبان را گرفت.

اما در مورد تفویض اختیار تأیید مصوبات از سوی رهبری به رئیس‌جمهور نیز ممکن است گفته شود با توجه به عنوان کلی ذیل اصل ۱۱۰ که: «رهبر می‌تواند بعضی از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری تفویض کند»، می‌توان اظهار نظر کرد که تفویض اختیار ذیل اصل ۱۷۶ نیز مشمول این امر بوده و اشکالی ندارد. هرچند این شبهه وجود دارد که عنوان: «بعضی از وظایف و اختیارات» ناظر به عنوان: «وظایف و اختیارات رهبری» مندرج در اصل ۱۱۰ است و بنابراین آنچه تصریحاً در اصل ۱۱۰ راجع به تفویض اختیارات رهبری آمده است مربوط به وظایف یازده‌گانه‌ای می‌شود که در اصل مذکور بیان شده و شامل موارد دیگر نمی‌شود.

۸- آنچه ذکر شد مربوط به جنبه شکلی قضیه راجع به مصوبات دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی بود ولی از لحاظ ماهوی نیز برخی از این مصوبات بر فرض آن‌که دبیرخانه را نیز صالح برای تصمیم‌گیری به جای شورا بدانیم خالی از اشکال نیست. برخی از این مصوبات به نظر می‌رسد فراتر از آن چیزی است که در بندهای سه‌گانه اصل ۱۷۶ که علی‌القاعده تکلیف اجرایی دستگاه‌ها را بیان می‌کند می‌باشد و نوعی قانون‌گذاری است که تکلیف و محدودیت برای افراد ایجاد می‌کند و بعضی از آنها خلاف اصول دیگر قانون اساسی است و به نظر می‌رسد خود شورای عالی نیز نمی‌تواند چنین مصوباتی را وضع کند چه رسد به دبیرخانه شورا و جلسات آن.

همان‌طور که ابتدا خدمتتان گفته شد این نظر مشورتی و کارشناسی حقوقی شخص این‌جانب است که حضورتان تقدیم می‌گردد. در صورت تشکیل جلسه مشترک با دو نفر

آقایان مرقوم در نامه حضرت عالی اگر نظر دیگری بود ارسال خواهد شد و اگر صلاح می‌دانید در جلسه هیأت نیز مطرح و یا نظر برخی از حقوقدانان هم گرفته شود تا موضوع بیشتر تبیین گردد.

حسین مهرپور

مشاور رئیس جمهور و

رئیس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

آقای رئیس جمهور پس از دریافت این نامه و نظر طی نامه مورخ ۱۳۸۲/۶/۲۰ این گونه اظهار نظر کردند:

بسمه تعالی

شماره ۸۲-۶۰۳۳

تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲۰

جناب آقای دکتر مهرپور

ریس محترم هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

با سلام

نامه شماره ۸۲-۳۸۲/خ/م مورخ ۸۲/۶/۱۵ در خصوص تعیین ماهیت قانونی مصوبات مسؤل اجرایی شورای عالی امنیت ملی، به استحضار ریاست محترم جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

«جناب آقای دکتر مهرپور،

با تشکر از اظهارنظر متین شما به نظرم توجه به بعضی نکات لازم است و ممکن است توجیه کننده امر باشد. درست است که منشأ تصمیم‌گیری‌های امنیتی طبق قانون اساسی شورای عالی امنیت ملی است که پس از تأیید رهبری لازم‌الاجراء است ولی همین شورای عالی اگر اصول و محورهایی را تصویب کرد و نیز اجراء یا نظارت بر اجرای آن و تعیین مصداق‌ها را به دبیرخانه یا جمعی واگذار کرد و رهبری هم هر دو را تأیید کردند آیا این خلاف قانون اساسی است؟ مجلس قانون‌گذار است و دولت مجری قانون، آیا اجرای قانون بمعنی قانون‌گذاری است؟ آنچه موردنظر بوده است اجرای دقیق مصوبات شورای عالی امنیت ملی است و دبیرخانه نه حق وضع ضوابط و سیاست‌ها دارد نه چنین می‌کند. ولی اگر شورای عالی فی‌المثل نحوه برخورد با امور امنیتی را روشن کرد و دبیرخانه یا یک کمیته را مسؤل اجرای آن سیاست و مصوبه کرد؟ فکر نمی‌کنم اشکال اساسی

داشته باشد به هر حال باید مصوبات اجراء شود و چون نوع مصوبات فرابخشی است باید جایی با هماهنگی دستگاه‌ها اقدام کند. البته شائبه تصمیم‌گیری و رأی مصوبات شورای عالی از سوی دبیرخانه یا هر دستگاه دیگر مهم است و اگر مواردی بوده است اولاً، باید جبران شود. ثانیاً، دیگر تکرار نگردد که البته من دقیقاً چنین امری به نظرم نمی‌رسد. لطفاً بار دیگر تأملی بفرمایید و اگر نظری هست بدهید. رونوشت به جناب آقای دکتر روحانی جهت بررسی دقیق و رعایت موازین و امور بصورتی که حتی شائبه خلاف قانون اساسی و حتی نقض قانون اساسی در کارکرد ما و دبیرخانه نباشد. البته امضاء رییس جمهور هم به معنی ابلاغ آن به دستگاه‌ها برای اجراء است و در واقع اجراء مصوبه کلی و سیاست شورای عالی امنیت ملی است که نحوه اجرایش از سوی کمیته یا دبیرخانه مشخص شده است.»

www.KetabFarsi.com

بخش پنجم

حقوق مدنی، سیاسی و شهروندی

مکاتبات مربوط به حقوق مدنی، سیاسی و شهروندی (حقوق ملت)

در این بخش عمدتاً مکاتبات و پیگیری‌های مربوط به ادعای نقض حقوق اساسی و شناخته شده افراد در قانون اساسی توسط دستگاه‌های حکومتی که بعضاً مربوط به مراجع امنیتی و قسمت زیادی به مراجع قضایی ارتباط پیدا می‌کند آورده می‌شود. شایان ذکر است که رییس جمهور و هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی طبقاً مرجع رسیدگی به شکایت و تظلم افراد به صورت موردی و شخصی نیست ولی گاهی حتی شکایات و یا اطلاعات شخصی نشان دهنده روندی است که با قانون اساسی در تضاد است و از این رو، موضوع مورد پیگیری رییس جمهور و هیأت نظارت قرار گرفته است. به ویژه آنچه مربوط به حقوق و آزادی‌های افراد می‌شود که رییس جمهور طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی سوگند یاد کرده «از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کند.»

البته در نقل و انعکاس مکاتبات، مواردی که جنبه شخصی داشته و ذکر نام فرد یا افراد مناسب نباشد از نقل آنها خودداری می‌شود:

این بخش را با مکاتبات مربوط به دستگیری و بازداشت برخی از مدیران شهرداری در سال ۱۳۷۶ آغاز می‌کنیم. نخستین اقدامی که آقای خاتمی به عنوان رییس جمهور در اجرای اصل ۱۱۳ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ قبل از تشکیل هیأت، انجام داد، دستور انجام بازرسی به دو نفر به عنوان نمایندگان خود در تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۱ و گزارش بازرسی آنها به رییس قوه قضاییه و درخواست توضیح در تاریخ ۱۳۷۶/۹/۲ بود. اقدامات بعدی توسط هیأت صورت گرفت.

پرونده مدیران شهرداری تهران

بسمه تعالی

شماره ۷۶-۳۵۹۵

تاریخ ۱۳۷۶/۶/۱۱

حضرات حجج اسلام آقایان اسماعیل شوشتری و هادی مروی

با سلام

با عنایت به شکایت‌های رسیده و شائبه تخلف از قانون اساسی در مورد شکایت شهرداری تهران به استناد اصل ۱۱۳ قانون اساسی و ماده ۱۳ قانون حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری، به موجب این حکم از شما می‌خواهم به نمایندگی رئیس‌جمهور موضوع را مورد رسیدگی همه جانبه و منصفانه قرار داده و نتیجه را گزارش نمایید.

سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره ۷۶-۵۷۹۳

تاریخ ۱۳۷۶/۹/۲

حضرت آیه الله آقای یزدی دام عزه

ریاست محترم قوه قضاییه

با سلام و احترام

بدین وسیله گزارش تهیه شده توسط نمایندگان این جانب حجج اسلام آقایان مروی و شوشتری از وضعیت عده‌ای از دستگیر شدگان چند ماهه اخیر در تهران ارسال می‌شود.

براساس این گزارش در جریان رسیدگی به پرونده متهمان، اصولی از قانون اساسی کشور به این شرح نقض گردیده است:

۱- اصل سی و هشتم مقرر می‌دارد که هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار با سوگند، مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است.

بندهای «ج» و «د» گزارش حکایت از نقض صریح این اصل می‌نماید.

۲- اصل سی و دوم مقرر می‌دارد که هیچکس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند.

همچنین اصل سی و هفتم قانون اساسی، اصل را بر برائت می‌گذارد.

متأسفانه بند «ز» گزارش پیوست مؤید عدم رعایت و اجرای دو اصل مذکور است.

۳- اصل سی و پنجم قانون اساسی انتخاب وکیل را حق مسلم متهم می‌داند، که بند «ی» گزارش مؤید نقض این اصل است.

۴- اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی یکی از وظایف قوه قضاییه را نظارت بر حسن اجرای قوانین دانسته است، که متأسفانه بندهای مختلف گزارش حکایت از عدم توجه به قوانین مدون جمهوری اسلامی ایران از سوی مراجع قضایی و انتظامی است.

این جانب طبق اصل یکصد و بیست و دوم که متناسب با وظایف و اختیاراتم در برابر

مقام معظم رهبری، ملت و مجلس شورای اسلامی مسؤول هستیم و نیز به موجب سوگندی که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت یاد کرده‌ام و به موجب تعهدی که در هنگام انتخابات نمودم و با استناد به اصل ۱۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مطابق آن مسؤولیت اجرای قانون اساسی به عهده رئیس‌جمهور است و نیز با توجه به ماده ۱۳ قانون حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری مصوب مجلس شورای اسلامی، توجه جناب‌عالی را به تخلفات یاد شده در گزارش معطوف می‌دارم. انتظار اینست که به مرضیع جداً رسیدگی شود و تصمیم لازم نسبت به جبران حقوق قانونی تضییع شده افراد و تعقیب و مجازات متخلفان طبق قانون و جلوگیری از تخلف در آینده اتخاذ گردد. قبلاً از محبتی که می‌فرمایید سپاسگزارم.

سید محمد خاتمی

رئیس جمهوری اسلامی ایران

بسمه تعالی

شماره ۷۶-۷۵۱۵

تاریخ ۱۳۷۶/۱۰/۲۵

جناب آقای حمید یزدی

مدیر محترم حوزه ریاست قوه قضاییه

با سلام

عطف به نامه شماره ۱۱۰۵/۷۶/م مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۶ به اطلاع می‌رساند: ریاست محترم جمهوری در مقام ایفای مسؤولیت خود، طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی و ماده ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب آبان‌ماه ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی، مراتب نقض برخی از اصول قانون اساسی در زمینه حقوق مردم و اصول قضایی ارا را مستقیماً به ریاست محترم قوه قضاییه یعنی بالاترین مقام ان قوه اعلام نمودند و برای مزید اطلاع عین گزارش نمایندگان خود را به پیوست ارسال داشتند. طبع قضیه، اقتضاء می‌کند که ریاست محترم قوه قضاییه پس از دستور بررسی موضوع و گرفتن گزارش از منابع لازم و از جمله گزارش رییس محترم دادگستری تهران، نتیجه‌گیری لازم را نموده و نظر خود و احیاناً اقدامات انجام شده را رأساً به عنوان رییس‌جمهور ارسال دارند، طبعاً صرف ارسال گزارش از سوی دفتر به دفتر، این منظور را تأمین نمی‌کند. شایسته است مراتب را خدمت ریاست محترم قوه قضاییه منعکس نمایید تا معظّم له نظر و پاسخ مشخص خود را مستقیماً به عنوان رییس‌جمهور اعلام فرمایند.

سید محمدعلی ابطحی

بسمه تعالی

شماره ۱۱۰۵/۷۶

تاریخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۸

جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای سید محمد خاتمی «دام عزه»

ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

عطف به نامه شماره ۷۶/۵۷۹۳/م مورخ ۷۶/۹/۲ منضم به گزارش تهیه شده توسط حجج اسلام آقایان مروی و شوشتری در خصوص بعضی متهمان زندانی شده مربوط به شهرداری تهران و ادعای نقض قانون اساسی، با بررسی‌های به عمل آمده به اطلاع می‌رساند:

هرچند اصول و نصوص قانون اساسی دلالتی بر دخالت و نظارت قوه مجریه بر قوه قضاییه ندارد به خصوص که اصل ۵۷ قانون اساسی صریحاً استقلال و انفکاک قوای ثلاثه را متذکر شده که در عرض هم تحت نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت قرار دارند و نیز در اصل ۶۱ اعمال قوه قضاییه از طریق دادگاه‌های دادگستری مقرر گردیده است، از طرفی استقلال قوه قضاییه که خود پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی است در اصل ۱۵۶ مجدداً مورد تأکید مقنن قرار گرفته که من حیث المجموع تصریح بر اثبات مدعای مذکور دارد با وصف فوق در موضوع مرقوم، گزارش مستند و مستدل ریاست کل محترم دادگستری استان تهران که طی شماره ۷۶/۵۰/۱۱۰/م/ح مورخ ۷۶/۱۰/۱۴ واصل گردیده جهت استحضار و رفع ابهام و نگرانی جناب عالی بپیوست ارسال می‌گردد.

بدیهی است قوه قضاییه طبق بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی از لحاظ «نظارت بر حسن اجرای قوانین» در محاکم و حفظ بی‌طرفی در رسیدگی‌های قضایی، نهایت مساعی خود را بکار می‌بندد تا از اصول قانون اساسی و قوانین عادی تخطی صورت نگیرد.

محمد یزدی

رییس قوه قضاییه

بسمه تعالی

شماره ۲۴۳/م-ق

تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۱۰

حضرت حجة الاسلام والمسلمین جناب آقای خاتمی

ریاست محترم جمهوری

با سلام

عطف به نامه شماره ۷۶-۷۲۰۷/م مورخ ۷۶/۱۰/۱۷ و ۷۶-۸۳۱۷/م مورخ ۷۶/۱۱/۲۰ و دست‌نویس مورخ ۷۶/۱۱/۳۰ خطاب به جناب آقای شوشتری و نیز مذاکرات حضوری و تلفنی در خصوص نحوه برخورد و اقدام قانونی رییس‌جمهوری در رابطه با تخلفات قانونی و نقض اصول قانون اساسی که در مورد پرونده‌های متهمین شهرداری بعمل آمده به استحضار می‌رساند، موضوع در جلسات متعدد هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی مورد بحث قرار گرفت و گزارش بازرسی نمایندگان ویژه جناب‌عالی و پاسخ ریاست محترم قوه قضاییه ملاحظه و بررسی شد. به نظر هیأت با توجه به گزارش حجج اسلام آقایان شوشتری و مروی و توضیحات شفاهی آنان و بیان مشهودات خود و استماع اظهارات برخی از بازداشت‌شدگان و اطلاعات دیگری که در اختیار خود جناب‌عالی گذاشته شده و در جلسات حضوری بیان فرمودید، برخی از اصول قانون اساسی در رابطه با حقوق اساسی مردم نقض شده است که عمده آن عبارت است از: اعمال شکنجه برای گرفتن اقرار، بی‌اثر ندانستن اقرار ناشی از شکنجه، هتک حرمت و حیثیت افراد بازداشت‌شده، (اصول ۲۸ و ۲۹ قانون اساسی) نامتناسب بودن قرارهای صادره و بازداشت طولانی مدت متهمین بدون دلیل موجه و برخوردار نبودن متهمین از وکیل مدافع به نحو صحیح و مؤثر (در مراحل اولیه نمی‌توانستند با خود وکیل داشته باشند و بعداً هم پرونده به موقع در اختیار وکلای متهمین قرار نگرفته است) عامل این تخلفات و نقض حقوق اساسی در این پرونده‌ها از سویی قضات رسیدگی‌کننده به پرونده و از سوی دیگر نیروی انتظامی و سازمان حفاظت اطلاعات نیروی مزبور است. به نظر می‌رسد با توجه به اقداماتی که در اجرای ماده ۱۲ و قسمت

اول ماده ۱۴ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۶۵ مجلس شورای اسلامی یعنی کسب اطلاع، بازرسی، بررسی و توضیح خواستن از بالاترین مقام مسئول از سوی جناب عالی صورت گرفته و عدم اجرای برخی از اصول قانون اساسی به نظرتان ثابت و مشخص شده. طبق ذیل ماده ۱۴ قانون مزبور می‌توانید مراتب را جهت رسیدگی به مراجع صالح اعلام فرمایید. و در این خصوص به نظر می‌رسد از یک طرف مسأله تخلف قضات به داسرای انتظامی قضات اعلام شود که داسرای مزبور نسبت به اعلام یاد شده تحقیقات خود را نموده و پرونده متخلفین را با صدور کیفرخواست به دادگاه انتظامی قضات ارسال دارد. از سوی دیگر تخلف و جرایم افراد نیروی انتظامی به سازمان قضایی نیروهای مسلح اعلام شود که مطابق مقررات و رویه قضایی جاری رسیدگی و تعقیب و محاکمه را انجام داده و نتیجه را به حضرت عالی گزارش دهند. پیش‌نویس اعلام تخلف و جرم به دو مرجع مزبور متعاقباً تهیه و خدمتتان ارسال خواهد شد.

ضمناً به استحضار می‌رساند روز گذشته (۷۶/۱۲/۹) علاوه بر تشکیل جلسه هیأت، کمیسیون‌های تدوین خط‌مشی، ارتباطات و بازرسی و نظارت نیز تشکیل جلسه داده و تبادل نظر نمودند و مخصوصاً کمیسیون نظارت و بازرسی تمهیداتی را برای شروع بازرسی در خصوص موارد مورد نظر جناب عالی اندیشیده‌اند که اگر فرصت دهید حضوراً توضیح داده می‌شود.

حسین مهرپور

مشاور رییس جمهور و

رییس هیأت پیگیری و نظارت بر اجرای قانون اساسی

بسمه تعالی

شماره ۷۶-۹۷۷۹

تاریخ ۱۳۷۶/۱۲/۲۹

حضرت آقای آیه الله یزدی
ریاست محترم قوه قضاییه

با سلام و احترام

عطف به نامه شماره ۱۱۰۵/۷۶ مورخ ۱۳۷۶/۱۱/۱۸ و پیرو نامه شماره ۷۶/۵۷۹۲/م مورخ ۱۳۷۶/۹/۲ با آن که تبادل مکرر نامه ممکن است ملال آور باشد ولی اگر در جهت تلاش برای احقاق حق مردم و تثبیت روند سالم رسیدگی قضایی و محاکمه عادلانه و احترام عملی به اصول قانون اساسی باشد، رنج این ملال را می توان تحمل کرد. مطمئن هستیم که حضرت عالی با من در این معنی همداستانید که به هیچ وجه قصد دخالت در وظایف قانونی قوه قضاییه و خدشه وارد کردن به استقلال آن قوه که با هدف تأمین هرچه بهتر احقاق حقوق مردم و اجرای صحیح و بیطرفانه قانون، مورد تأکید قانون اساسی قرار گرفته است، ندارم. این جانب در پی دریافت تظلمات و گزارشهای متعددی در خصوص عدم رعایت موازین قانونی در امر دستگیری و بازداشت و بازجویی و نگهداری و نحوه رفتار با تعدادی از متهمان، از جمله متهمان شهرداری تهران، به دو تن از مقامهای قوه قضاییه برای بازرسی و بررسی موضوع کشف واقع. مأموریت دادم و این کار، در اجرای مسؤلیتی است که اصل ۱۱۳ قانون اساسی بر عهده رئیس جمهور گذاشته و طبق تکلیفی است که به حکم سوگند یاد شده در مجلس شورای اسلامی براساس اصل ۱۲۲: «... از آزادی و حرمت اشخاص و حقوقی که قانون اساسی برای ملت شناخته است حمایت کنم...» بر دوشم گذاشته شده است. نیز مقتضای حکم صریح ماده ۱۳ قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسؤولیت های ریاست جمهوری مصوب سال ۱۳۶۵ است که می گوید: «رئیس جمهور از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری، بررسی و اقدامات لازم مسؤول اجرای قانون اساسی می باشد.» و ماده ۱۴ قانون مزبور به رئیس جمهور حق می دهد در اجرای وظایف خویش برای اجرای قانون